



جادو و جادوشناسی

(بخش چهارم)

جمشید آزادگان

کمتر شنیده یا خوانده ایم که از دیدگاه روان کاوی، جزئیگموند فروید، کسی بدان کار پرداخته باشد.

ما برآنیم که حتی الامکان روش روان کاوی را درپیش بگیریم و یا دست کم بیش از روش های دیگر به آن پردازیم تا به یافته هایی برسیم که واقع بینانه تر و باورپذیرتر، ملموس تر و محسوس تر باشند.

ضوابط و ملاک های مورد استناد ما در این باره، کشفیاتی هستند که پرده از "قدرت مطلق ذهنیات" برمی گیرند که در طی مقاله مفصلاً بدان خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که ما کاری به فنون عملی و ابزارهای دستی و جملات جاری بر زبان جادوگران نداریم زیرا نمی خواهیم جادوگری به کسی بیاموزیم، بلکه دلایل روانی - فکری این پدیده را بررسی می کنیم.

در آغاز، به تعریف علمی شماری از مفاهیم اساسی به کاربرده شده می پردازیم تا در مسیر مطالعه خود دچار ابهام و سردرگمی نشویم.

یک نکته در این معنی: واژگان کلیدی به کاربرده شده در این

مکانیسم های کلی با فنون اساسی که جادوگری بر پایه آن ها استوار است، چیستند؟ اگر به روش روان شناسی و به ویژه روان کاوی به پژوهش پردازیم، به چه پاسخی خواهیم رسید که در قیاس با دیگر روش ها بیشتر ناظر به مقصود و نزدیک تر به واقعیت باشد؟

به گواهی اکثریت قریب به اتفاق صاحب نظران مربوطه، روش روان کاوی زیگموند فروید آلمانی به کشفیاتی در عوالم جادوشناسی انجامیده که تا به امروز به قوت و اعتبار علمی خود باقی است و منطبق بر واقعیت می باشد. این مقاله بر آن است تا با شواهد و مدارک و مستندات کافی، این کشفیات را بر نماید.

فهرست کتب و مقالات و مباحث علمی و پژوهشی که در جهان درباره جادو و جادوشناسی از آغاز تا کنون به رشته تحریر و بیان درآمده، چندان است که عمر دراز یک محقق کفاف مطالعه همه آن ها را نمی دهد. اما اگر بخواهیم آن ها را از لحاظ موضوع و مقولاتشان دسته بندی کنیم، اعتبار و ارزش تاریخی، جغرافیایی، مردم شناسی فرهنگی، عوام پسندی، ژورنالیستی، و گاهی هم اعتبار و ارزش روان شناسی داشته و دارند؛ لیکن



۴- آنیمیسیم یا جان گرایی:

تایلور، مردم شناس معروف، بر آن است که آنیمیسیم، اسلوب فکری انسان ابتدایی یا ابتدایی اندیش است که پایه اصلی آن، از قائل شدن به روح برای همه موجودات عالم گرفته شده است؛ یعنی هر صاحب دمی همدمی، هرزادی همزادی، و هر جسمی جانی، و هر تنی روانی دارد. حتی به موجب این طرز تفکر، موجودات غیر گیاهی و غیر جانوری نیز دارای جان می باشند و چون همه موجودات عالم، یا موافق راه و رسم زندگی آدمیان یا مخالف آن، پس جان های آنان نیز یا موافق یا مخالف مصالح و منافع و راه و رسم حیات آدمیانند. لذا انسان ابتدایی بر آن است تا ارواح مساعد و موافق پدیده های سازگار با زندگی آدمیان را با خود بر سر مهر آورد و از مراحم و الطاف آنان به نفع زندگی خود یاری جوید، و ارواح مخالف و دشمن را از خود دور کرده تا زخم و ضربه ای به آدمیان نرسانند. پس باید جان ها یا ارواح را با اوراد و اذکار و ادعیه مهر آمیز و محبت انگیز جلب کرد.

نقطه مقابل آن هم، حجم عظیمی از جادوی منفی را به وجود می آورد. پیدایش کلمات "آفرین" و "نافرین" یا "نفرین" از همین جاست؛ زیرا کلمات و عبارات دال بر "نفرین"، نوعی ورد مخالف یا جادوی منفی است که بیان آن ها، نیازی به



مقاله، توسط دانشمندان مردم شناس وضع و به کار برده شده تا ابزارهایی برای شناخت فکری انسان ابتدایی باشند و مردم شناسان فرهنگی پی ببرند که انسان ابتدایی، از طبیعت پیرامون خود چه شناختی داشته و تصورات مافوق طبیعی از کجا و چگونه در خاطر او خطور کرده اند.

۱- جادو، جادوگری و جادوشناسی:

معنی و مفهوم گسترده این واژه را در سه بخش پیشین به طور مبسوط بیان داشته ایم که دیگر نیاز به تکرارشان نیست.

۲- انسان ابتدایی:

به انسان های عصر حجر می گوئیم که هنوز در غار و بیشه و جنگل و کرانه های دریاها یا در جزیره ها می زیستند و از ابتدایی ترین مراحل شهرنشینی و سواد نوشتن و خواندن بی بهره بودند. اینان در هزاره های بعد که تاحدی ترقی کردند، به زندگی قبیله ای رسیدند و به ابزارهای سنگی، شبان پیشگی، و کشاورزی بسیار ابتدایی دست یافتند. این نوع از زندگی اجتماعی تقریباً به نزدیکی های عصر آهن می رسد. این اجتماعات انبوه قبیله زی، چه در افریقای سیاه پوستی، امریکای سرخ پوستی، استرالیای رنگین پوستی، و چه در نقاط دیگر جهان هنوز به مرحله تاریخی ساختن و استفاده کردن از درود یوار و برج و بارو و سواد نوشتن و خواندن و حساب کردن، دوختن لباس و ساختن ابزار بزمی و رزمی نرسیده بودند ولی در آستانه آن قرار داشتند. آنان معرفت به جهان و حتی محیط زندگی خود را به جای آن که آفاقی بشناسند، انفسی می شناختند؛ یعنی طبق اسلوب آنیمیسیتی.

۳- انسان ابتدایی اندیش:

به کسانی گفته می شود که در دوره ای با انسان های متمدن می زیسته یا هم اکنون هم می زیند و چه بسا نوشتن و خواندن هم می دانند، ولی مانند انسان ابتدایی می اندیشند، یعنی آفاق را انفسی و اصول را آنیمیسیتی و نه رالیستی می شناسند؛ و در امور عقلی و اندیشه بیشتر از قدرت مطلق ذهنیات فرمان می برند تا از عینیات و واقعیت های عینی که تابع قوانین حاکم بر طبیعت هستند. ایشان آن دسته از قوانین حاکم بر طبیعت را می شناسند که قادرند در زندگی خود به کار گیرند.



هربرت اسپنسر و همفکران او وجود تفکر آنیمیسمی و آنیماتیسمی را در میان انسان‌های ابتدایی قویاً تأیید می‌کنند، ولی دیگران نظیر امیل دورکیم و لوسین لوی برول بر این طرز تفکر انتقاد کرده و خرده می‌گیرند و آن را خیلی روشنفکرانه و از خرد و عقل و تمیز انسان ابتدایی به دور می‌دانند. این دو، تئوری‌های متفاوتی دربارهٔ ادیان ابتدایی پیشنهاد کرده‌اند که چون در مقولهٔ دین است، در این جا آورده نمی‌شود.

۶- مانا:

به طوری که مردم شناسان در بومیان ساکن جزایر اقیانوسیه مکشوف داشته‌اند، مانا در باور آن بومیان، نیرویی کلاً مجزاً و متفاوت از نیروی مادی و فیزیکی است که در امور خیر و شرّ دخیل و دست اندر کار است و دارای عظیم‌ترین توش و توان در روند امور و کنترل آن‌ها می‌باشد. مانا در افزایش کیفیات پدیده‌ها و پویش‌ها تواناست؛ اعم از این که این پدیده‌ها یا پویش‌ها غلات و حبوبات باشند یا کودکان، یا رشد و نمو آنان بوده باشد. پس گویی که نیروی مانا در همهٔ ذرات عالم حضور و وجود دارد.

۷- آنیمالیسم:

مکتبی فلسفی و قدیمی است که بر پایهٔ اعتقاد به نفس حیوانی استوار است و باور به این که آدمیزاد، جانوری بیش نیست و روحانیت و معنویت ندارد و جز حواس حیوانی و محسوسات آن، بهره‌ای ندارد. این سخن چندان کاربردی در این مقاله ندارد و لذا از آن درمی‌گذریم.

۸- اشباح:

به روان درگذشتگانی گفته می‌شود که گهگاه بر برخی از زندگان ظاهری شوند؛ مانند این که مثلاً گفته شود که شیخ بانو مارگارت این نمازخانه را در اشغال خود دارد، و یا اشباح فلان اموات در این محل تردد می‌کنند؛ یا گفته شود که شیخ یا اثر سایه مانند از شکل نه چندان روشن فرد مُرده‌ای در جایی تردد نماید.

۹- ارواح:

مفرد آن، روح است که به معنی بخش غیر فیزیکی و غیر مادی انسان است و باور بر آن است که پس از مرگ تن، باقی می‌ماند.

جادوگری حرفه‌ای ندارد.

۵- آنیماتیسم:

مردم شناس نامداری به نام آر.آر.مارت، برخلاف تایلور اظهار می‌دارد که آنیمیسم مرحلهٔ پس از آنیماتیسم است. مارت بر آن است که انسان ابتدایی در برابر چیزهای غیرعادی مانند سیل و تندباد و جزرومد آب، یا پدیده‌های غیر دائمی مانند زمین لرزه، آتش فشان، آتش سوزی جنگل و...، شگفت زده و متحیر و هراسان می‌شد. انسان ابتدایی برای این پدیده‌ها نیروهایی مافوق بشری نامشخص قائل شده و یا آن‌ها را به قوایی روحی و برتر از اشیاء و پدیده‌های عادی محیط زیست خود نسبت می‌داد؛ شبیه مانای بومیان جزایر اقیانوسیه، که این ویژگی را اسقف کادرینگتون در میان آن اقوام تشخیص داد. پس آنیماتیسم یعنی طرز فکری که بر جانِ دهی یا جان بخشی به پدیده‌های عجیب و اشیاء غیرعادی عالم استوار است.



ابتدایی اندیش را تشکیل می داد؟ با توسل به روش روان کاوی و قدری هم روان شناسی، شاید بتوانیم از عهدۀ آشکار کردن واقعیت های ملموس و محسوس و معنی دار نهفته در پشت آن ها برآییم، بی آن که ادعا کنیم از عهدۀ آشکارسازی همه رموز و غوامض آن ها برخوردار خواهیم آمد.

الف - به چند نمونه جدید در ایران معاصر توجه کنید:

(۱) مدت ها پس از ازدواج، کمی به دکتر زنان و زایمان، و خیلی به فالگیر، رمال ودعانویس مراجعه کردم تا الحمدلله بچه دار شدم.

(۲) بخت دخترم را که بسته بودند، رفتم پیش فالگیر و دعانویس و الحمدلله دخترم به خانۀ بخت رفت.

(۳) مرد ارمنی باطری ساز اتومبیلیم با آه وناله می گفت که خیلی درآمد کم شده؛ نمی دانم چه کسی روزیم را طلسم کرده و بسته؟ می خواهم بروم پیش دعانویس تا یک باطل السحر برایم بنویسد.

(۴) زنم بی مهری و دلسردی پسرمتأهلیمان به ما را، به عروسمان نسبت می داد و می گفت: این کار، کار خانوادۀ عروسمان است زیرا خودم توی باغچۀ پسرم چند کاغذ دعا دیدم که کار مادرزن پسرم است و باعث شده از ما دل بُرد و به خانوادۀ

به معنی "ظرافت و لطافت احساس، کارمایۀ عاطفی، اخلاقی و عقلی" بدان گونه که در آثار هنری نمایان شود، نیز به کاررفته است. در این جا منظور ما ابعاد مثبت و پرورده آن است یعنی ارواح شریف، ولی از ارواح شریر نیز سخن در میان است که در طول مقاله بدان اشاره خواهد شد.

۱۰- روان کاوی:

روش درمان درهم ریختگی ها و بی نظمی های فکری و عصبی کسی از راه مصاحبه ها و ملاقات های مکرر روان کاوی به منظوری بردن و سپس آگاهانیدن شخص از آن چه در زندگی براو گذشته؛ و یافتن آثار و نشانه هایی میان آن گذشته ها و رفتارها و احساس کنونی وی. در شناساندن دانش روان کاوی، سخن بیش ها از این هاست، که در ضمن مطلب به آن خواهیم پرداخت.

اینک می پردازیم به سخن خود درباره جادو از دیدگاه روان کاوی و گاه نیز روان شناسی:

از خواندن عبارات و جملات زیر، از ذهن شما چه می گذرد؟ آیا فکرنمی کنید در پس این عبارات به ظاهر ساده و خرافاتی و عوامانه، چه بارسنگینی از مقولات و مفهومی های پرمعنا نهفته است که منظومۀ فکری پیچیده و درهم ریخته انسان ابتدایی یا





هنگام به جنگ و شکار رفتن مردان قبیله.

(به موارد فوق در شماره آتی پرداخته خواهد شد.)

تفکر آنیمیستی، سرآغاز پیدایش تفکر جادویی ونخستین رگه‌های ادیان ابتدایی (ادیان شرک)

انسان ابتدایی عصر حجر که از لحاظ فکری، گویی دوران کودکی خود را می‌گذراند، پس از پشت سر گذاشتن دوره آنیمالیسم مورد ادعای آر.آر.مارت، و ورود به دوره بسیار طولانی آنیمیسیم مورد بحث هربرت اسپنسر، جیمز جورج فریزر، آندرو لانگ و ادوارد برنت تایلور، نمی‌توانست در برابر دگرگونی‌های منظم و نامنظم و فصلی و ادواری طبیعت نیندیشد و علت یابی نکند. ولی چون در تاریخ خانه صدها هزار ساله ماقبل تاریخ و ماقبل شناخت عینی و عملی طبیعت به سر می‌برد، و از طرفی هم نمی‌توانست در برابر آن همه پرسش‌ها که از مشاهده تغییرات تند و کند، و مکرر و نامکرر، منظم و نامنظم، بی‌تفاوت و بدون پاسخ بماند، جبراً در برابر آن همه پدیده‌های محیطی خود، به دورانی رسید که در ضمیر او این انگاری پندار پیدا شد که هر متحرکی، محرکی دارد که آن را به خواست خود هر جا و هر گاه بخواهد، به حرکت درمی‌آورد و وادار به انجام کاری یا رفتاری می‌کند؛ به این نشان که هنوز هیچ قبیله‌ای در هیچ جای دنیا پیدا نشده که به نیروی برتر از طبیعت و به روح اعتقاد نداشته باشد. البته پشت پرده خیال ارواح و اشباح رموزی نهفته است که روان کاوی آن‌ها را آشکار می‌سازد.

دوبخشی شدن اول هستی

از آن پس همه اشیاء عالم اعم از گیاه و جانور و پدیده‌های مادی و فیزیکی بی‌جان، به دو بخش شدند: یک بخش خود آن‌ها، و بخش دیگر، آن نیرو، قوه محرکه یا به هر حال چیزی

زنش برسد و به آن‌ها خدمت کند. نشان به این نشان که هنوز به گردن عروسم دعا آویزان است، خودم به چشم خودم دیدم که زیر گلوبندش قایم کرده.

(۵) تا سال‌ها پیش، به ویژه در شهرستان‌ها مردانی را می‌دیدم که در کوچه‌های شهر راه می‌رفتند و به صدای بلند می‌گفتند: "فال می‌گیرم، طالع می‌بینم، رمل واسطرلاب می‌اندازم و گره کور بخت و بخت برگشتگی شما را بازمی‌کنم."

ب - به چند نمونه در اعصار کهن ملل دیگر توجه کنید:

(۱) مراسمی برای بارش باران که بومیان باستانی ژاپن، یعنی قوم آینو برپا می‌دارند.

(۲) نمایش اعمال جنسی برنج کاران جزایر جاوه، سوماترا و جاهای دیگر جهان برای حاصل خیزی برنج.

(۳) اعمال تحذیری زنان و کودکان بومیان قریه دایاک در طول زمانی که مردان قبیله به شکار می‌روند.

(۴) پنهان کردن مو، ناخن، لباس و دیگر متعلقات هر کس تا دشمن بدان دست نیابد.

(۵) برزبان نیابردن نام کسی نزد نامحرم تا صاحب آن نام از جادوگر دشمن زبان نیبند.

(۶) آدمخواری برای انتقال صفات شکارشدگان به شکارکنندگان که از جمله در آفریقا دیده می‌شود.

(۷) خوردن اندام‌های معینی از مرده توسط عده‌ای از بازماندگان وی.

(۸) رابطه بین زخم و سلاح زخم‌زننده، و گرم یا سرد نگه داشتن آن توسط دوست و دشمن.

(۹) قاپیدن یا دزدیدن تیروکمان توسط دوستان مجروح تا مبدا تصاحب‌کننده آن‌ها با گرم کردن و آلودن آن‌ها، مانع خوب شدن فرد زخمی شود.

(۱۰) زنی از اهالی نوروویچ انگلستان میخی به پاشنه پایش فرو می‌رود. او بی‌آن که بگذارد زخم را معالجه کنند، به دخترش دستوری دهد میخ را کاملاً روغن مالی کند تا میخ در پایش دچار آسیب و زنگ زدگی نشود. وی چند روز بعد در اثر بیماری کزاز درگذشت.

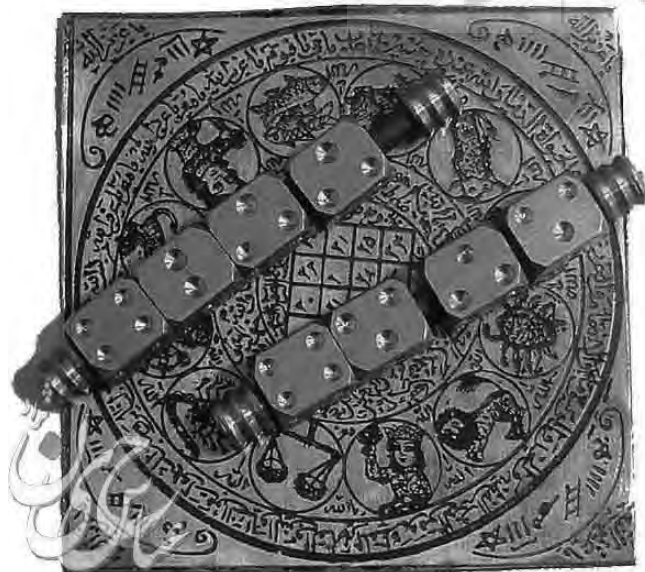
(۱۱) جدی تر شدن رعایت عفاف و پاکی زنان و دختران قبیله



باگذشت هزاران سال و شکل گیری جادو با اسلوب تفکر آنیمیستی، کاربه جایی می رسد که انسان ابتدایی ازعهده فراگیری آن حجم عظیم ادبیات منظوم و منثور وانجام دادن آن همه ریزه کاری های مراسم و جشن ها و برپایی مجالس خاص برنمی آید و بنابه نیاز جامعه، اشخاصی حرفه ای و کاردان به نام های حکیم باشی، کاهن، ساحر، جادوگر، و درادوار متأخر به نام های رمال، فالگیر، اسطرلاب دان، دعانویس و... انجام آن امور را حرفه تخصصی خود قرار می دهند. افراد قبیله ارباب رجوع آنان می شوند و با پول و نذورات و تقدیم هدایایی از قبیل گیاهان و جانوران مفید، دست مزد دهنده آنان می گردند.

جهان پراز ارواح

بدین سان زمانی فرارسید که محیط زیست انسان ابتدایی پراز ارواح و اشباح شد که حاکم بر همه مقدرات زندگی آنان گشت. انسان ابتدایی، یا با جلب ترحم ارواح شریف، یا با دفع شر ارواح شریر، امور خود را می گذراند. به یمن ارواح دسته اول و با تضرع، التماس و جلب ترحم آنان شکار می کرد، ماهی صید می کرد، دانه و میوه جنگلی و بیابانی می چید، باران می بارید، بچه می زایید، احشام خود را پرورش می داد و خلاصه خیرات و برکات زندگی خود را از ارواح پاک - که در هزاره های بعد به خدایان مختلف تبدیل شدند- دریافت می کرد. انسان ابتدایی به گمان خود با کمک اوراد و اذکار و ادعیه ترساننده، فرار دهنده



که در اندرون آن شیئی بود و آن را به جنبش، جهش، کشش و کوشش درمی آورد. دانشمندان آن ها را "آنیما" نامیده اند که معادل مناسب فارسی آن "جان" است. پس آنیمیسم یا جان گرایی در آثار مردم شناسان مصطلح شد که تا به امروز به قوت خود باقی است.

دوبخشی شدن دوم هستی

از آن جا که شمار فراوانی از پدیده های طبیعی، موافق راه و رسم زندگی و سلامت و تأمین معاش انسان هستند و شمار فراوان دیگر برخلاف مصالح و منافع انسانند، پس جان ها، روان ها یا ارواح پدیده های طبیعی نیز به دو دسته موافق و مخالف تقسیم شدند.

آغاز جادو و جادوگری

هر چه باور به جان های خیر و شر در پدیده های نیک و بد، و دخالت آن ها در همه امور زندگی و مرگ انسان ابتدایی بیشتر می شود، حجم عظیمی از اوراد و اذکار و ادعیه برای بر سر مهر آوردن آن جان ها و روان ها و ارواح شریف و باخیر و برکت، نسبت به آدمیان در میان تقریباً تمام ملل عالم رواج می یابد. کم کم مراسم خیر و شادی بخش مناسبتی و موسمی شکل می گیرد و جزء لاینفک زندگی مردم می شود. مردم شناسان این ها را جادوی مثبت یا جادوی سفید نامیده اند؛ مثل جادوی عشق، جادوی باران، دعای فراوانی نعمت های مادی و حاصلخیزی زمین های کشاورزی، باروری و شیردهی و فریبی احشام، آبستنی و زایمان زنان و امثالهم...

به موازات امور فوق، برای دفع و دور کردن ارواح مزاحم و مغل زندگی آدمیان، نیروهای خبیث، شرّ و بدخواه، به تشخیص جادوگران و کاهنان و حکیم باشی های قبیله، در مواقع مقتضی و مناسبت های مختلف، اذکار و مراسمی ترتیب داده می شود.

به گمان نگارنده، شاید پیدایش کلماتی چون نیایش و نکوهش، یا آفرین و نافرین (نفرین)، از همین جا سر بر آورده باشد؛ زیرا نفرین چیزی جز به زبان آوردن آرزوی بد برای آدم (یا موجود) بد نمی باشد.

پیدایش تخصص و حرفه ای شدن جادو



را بین دوپایش می گذارد و به خیال خود اسب سواری می کند؛ یا با اسباب بازی های خود حرف می زند، با آن ها خانه می سازد، مهمانی می دهد و... منظور از این مثال ها آن است که کودک دردنیای واقعی و درعمل به خواسته هایش، چون به مانع برمی خورد، دردنیای خیال به خواسته های خود می رسد؛ زیرا می دانیم که قوه تخیل در کودک بسیار قوی است. هرچه به قوه درک درست او از دنیای پیرامونش افزوده می شود، از قوه خیال وی کاسته می شود و از خیالات به واقعیات و از ذهنیات به عینیات می گراید تا می رسد به جایی که حتی الامکان تجربی و ثبوتی می اندیشد. در اوج صحت اندیشه منطبق برواقع، دانشمندان می اندیشد و دست به عمل می زند. یعنی:

اول، به مجهولی که در پی حلش باشد، برمی خورد؛

دوم، دست به تجارب وسیع و بی کنترل می زند؛

سوم، فرضیه ای در ذهنش نقش می بندد؛

چهارم، به تجارب محدود و کنترل شده و مشخصی دست می یازد تا صحت و سقم فرضیه را دریابد؛

پنجم، به کشف راز یا قانون حاکم بر آن امر مجهول و مشکوک می رسد، یعنی قانونمندی حاکم بر پدیده را کشف می کند؛

ششم، با کشف ده ها و صدها قانون حاکم بر حوزه یا حوزه هایی از هستی، به صاحب نظری می رسد و نظریه پرداز یا تئوریسین در محدوده ای از هستی می شود. پس باید در این باره گفت:

شش قدم در راه علم

می توان رفتن به حلم

اما انسان چه راه درازی را پیموده تا از تخیل کودکانه به تعقل عالمانه رسیده است؟ شاید بتوان گفت که انسان از قرون وسطی و پس از انقلاب علمی و صنعتی توانست روش اندیشیدن علمی را فرموله کند و بر آن اساس، کارگاه و آزمایشگاه علمی برپا سازد و همواره به قانونمندی های هستی پی ببرد و کتابخانه های دانشکده ها، دانشگاه ها و مؤسسات علمی و صنعتی را با انواع کتب در زمینه علوم مختلف انباشته سازد.

یکی بودن واقعیت و خیال

و بیزارکننده و نیز انجام مراسمی، اشباح شیطانی و ارواح ابلیسی و کریه المنظر و بدسگال را از پیرامون محیط زندگی خود و جایگاه گله چارپایان و کشتزارها و... دور می ساخت، کشتزارها سبز و خرم می شدند، آب ها و چشمه سارها و جویبارها گوارا و بی آلودگی می شدند و بیماران شفا می یافتند.

شناخت آفاقی به طریق انفسی یا بهره یابی از "قدرت مطلق ذهنیات"

انسان ابتدایی پس از پشت سر گذاشتن دوره آنیمالیسم، وارد دوره آنیمیسم شد. معرفتی که او از آفاق عالم، یعنی از مشهودات و محسوسات و ملموسات حاصل کرد، معرفتی انفسی و من عندی، نه عینی و تجربی و ثبوتی، و نه با وسایل مادی و علمی و برپایه قوانین حاکم بر طبیعت با جان و بی جان بود؛ زیرا رسیدن به شناخت علمی و عینی و قانونمند، بعدها نصیب بشری شد که علم و ابزار و اکتشاف و اختراع را به کار گرفت و شناخت منطبق با واقع به دست آورد. پس انسان ابتدایی در دوره آنیمیستی و در آن هزاره های بسیار دور، چاره ای نداشت جز توسل به درک انفسی بر پایه معرفت آفاقی. اکنون است که می دانیم حتی شناخت انفسی یعنی همان نفسانیات هم که مقوله ای روان شناختی است، باید به مدد ابزار و آزمایشگاه، وسایل روان سنجی و تست های روان شناسی و دیگر علوم مدد رسان شناخت رفتار انسان انجام گیرد. یعنی باید دانست که:

آفاق را هم از آفاق می باید شناخت

انفس اما نیز آفاقی بود (آزادگان)

انسان ابتدایی، شناخت من عندی و من درآوردی و دریافت فردی خود را به عالم خارج از ذهنیات خود فرافکنی می کرد و آن را ملاک شناخت هستی عینی قرار می داد. این دوران، دوره گذار بود و می باید از آن گذرمی کرد؛ یعنی گذار از ذهنیات به عینیات، از حدسیات به تجربیات و خلاصه از تخیل به تعین.

اسلوب تفکر آنیمیستی انسان ابتدایی و تخیل کودکانه، یا یکی بودن واقعیت و خیال در آن دو

ذات تفکر کودک سه یا چهارساله، تخیل است؛ چنان که از موجودی غیر واقعی به نام "لولو" می ترسد. یا چوب بلندی



انسان می مانستند. اما باگذشت هزاره ها، کم کم ازماندگی آن ارواح به انسان فروکاسته شد، تاجایی که آن ارواح از شکل و شباهت مادی و صفات بد انسانی تهی و تخلیه شدند و به روحانیت محض رسیدند و جنبه الهی یافتند. این خود از خواص اندیشه انسان های ابتدایی اندیش است که به معبود خود آن قدر از روی اخلاص اعتلا می بخشند که به بندگی درگاهش تن درمی دهند و آن را مرکز نشین دایره دین خود قرار می دهند.

شک در باور به ارواح، جادو را بی اعتبار می سازد

در طی دورانی طولانی، انسان های ابتدایی که با پیشرفت علوم عقلی و عملی و پی بردن به قوانین محکم و مسلم حاکم بر عالم، از فریب خیالات واقع نما فاصله می گیرند، در وجود ارواح و اشباح شک می کنند و باورشان به جادو که بر پایه اعتقاد به ارواح استوار بود، کمتر می شود و دوره جادو باوری پس از سالیان طولانی حکومت بر عقول و اذهان مردم، پایان می یابد.

علیرغم پروسه طولانی که انسان پیموده تا به باور علمی دست یابد، هنوز هم عده ای هستند که جادو نزد ایشان معتبر و قابل باور است.

دقت بیشتر در کار جادو

انسان ابتدایی تا پیش از این که قادر به تمیز بین خیال و واقع شود، برای باور بود که همان روابط و مناسباتی که میان اشیاء و اعیان برقرار است، میان تصوراتی که از آن ها در ذهن خود دارد، نیز برقرار است؛ و چون سرعت حرکت و فعالیت ذهن تقریباً بی زمان است، پس پدیده هایی که فاصله مکان و زمان آن ها خیلی زیاد است، فوراً و بی هیچ مشکلی تصورشان یک جا به ذهن می آید و جادوگر هم با اعمالی که انجام می دهد و اورادی که می خواند، تصویری کند که این فواصل زمانی را طی کرده و با امور گذشته همان عملی را می کند که با امور زمان حال انجام می دهد.

شناخت عینی که ما از جهان داریم، شناختی آفاقی و واقعی است؛ حال آن که شناخت انسان ابتدایی از جهان، شناختی انفسی و آنیمیمیستی است که انعکاس دنیای درون است. پس

انسان ابتدایی چندان فرقی بین واقعیت ذهنی و واقعیت عینی نمی نهاد، زیرا قادر به این تفکیک نبود. انسان ابتدایی عصر حجر تا رسیدن به طلیعه عصر آهن، یعنی زمانی در حدود یک میلیون سال را در تاریخ خانه ماقبل تاریخ گویی دوران کودکی فکر خود را می گذراند. مانند خردسالان، واقع و خیال و حتی خواب و بیداری برایش تفکیک پذیر نبود. چون تازه از سایر جانوران تکامل یافته جدا شده و به برکت امتیازات پنج گانه تارهای صوتی سخنگو، قامت افراشته و قائم ایستاده، شست های دو دست، سیستم عصبی منحصر به فرد انسانی، سلول های مغزی خاص و داشتن مخ، از دیگر جانوران ممتاز گشته بود، مراحل طولانی زیر را در تکوین تفکر گذراند:

۱- مرحله آنیمالیستی که بشر در آن مرحله طبیعت را دارای قدرت می دانست.

۲- مرحله آنیمیستی که بشر در آن مرحله قدرت را در دست ارواح می دانست که می توانست با جادوی سیاه و سفید بر آن ها مسلط گردد.

۳- مرحله دینی که بشر در آن مرحله قدرت را در اختیار خدایان می دانست.

۴- مرحله علمی که بشر در این مرحله قدرت را در قوانین حاکم بر همه هستی می داند و چیزی خارج از قانونمندی جهان، از میکروب تا ستاره، وجود ندارد.

لازم به ذکر است که در مرحله تفکر آنیمیستی بشر، دین یا اعتقاد به دیانت، به معانی و مفاهیمی که بعدها یافت، وجود ندارد ولی زمینه ساز و هموار کننده پیدایش ادیان ابتدایی می شود؛ به ویژه در آن زمان که جادوهای سفید و سیاه به میان می آید و مفهوم ارواح طیبه موجود در اندیشه ابتدایی، پس از هزاران سال شکل گیری و انسجام در اذهان انسان، به خدایان نیکوکار و نیکی رسان و نگهبان مصالح و منافع آدمیان تبدیل می شود. مفهوم ارواح خبیثه موجود در اندیشه انسان ابتدایی نیز به خدایان بدخواه و زیان رساننده به آدمیان و مصالح و منافعشان بدل می شود؛ مثل اهریمن، عفريت، ابلیس و ...

ارواح مثل ابدان بودند

در زمان های بسیار دور، ارواح، خصوصاً ارواح شریف، خیلی به



تا بدان حد که بعضاً منجر به "خودشیفتگی" می گردد؛ به طوری که حتی تجارب عینی و ملموس و محسوس، چیزی از آن خودشیفتگی (پارانویا) نمی کاهد. اینان اعتقاد راسخ به تأثیر ارواح و اشباح در زندگیشان دارند و تمام همشان جلب الطاف ارواح یا جان های پاک است تا آن ها را به انجام خواسته های خود وادارند.

اجنه، ارواح و پریان از کجا هستند؟

انسان ابتدایی که دوران کودکی ذهنی خود را در طبیعت می گذراند، از پدیده های پیرامون خود مانند درختان، جنگل، پرندگان، انواع حیوانات ریزو درشت، جویبارها و دریاها بی کران، رخدادهای طبیعی و... به شدت متأثر می شد و برای همسوساختن خود با این پدیده ها، انواع تصورات و توهمات را به تصویر می کشید. در این راه به خلق موجوداتی مانند جن و پری دست یازید؛ لذا این ها چیزی جز ذهنیات برون افکنده انسان ابتدایی نیستند که برای سبکباری نفسانی خود، ناگزیر از چنان برون فکنی هایی می شد. هرچه انسان ابتدایی این سبکباری را بیشتر حس می کرد، بر شدت برون فکنی اش افزوده می شد؛ و همین شدت سبکباری، موجب خلق بیش از پیش موجودات خیالی می گردید.

سپس به تدریج به آن ها تشخص، تجسد و تجسم می بخشید و بدین گونه بود که جهان را مسکن موجودات خیالی خود ساخته می کرد و با نسبت دادن صفات نیک و بد به آن ها، مجموعه متضاد نیروهای خارج از خود را تبیین می کرد. پس سحروجادو هم چیزی نیست جز تحمیل نفسانیات برواقعیات؛ به بیان دیگر، سحر آن است که "قوانین حاکم بر زندگی نفسانی را بر اشیاء عینی و واقعی تحمیل کند".

نکته دیگر که در این بررسی ها به دست آمده، پیدایش ارواح شریر قبل از ارواح شریف است، زیرا ترس و وحشت از طبیعت قهار و مسلط بر انسان ابتدایی، مقدم بر مهر و محبت به آن است. یکی دیگر از دلایل ترس آن ها، ترس از ارواح اموات است؛ به این نشان که مرده راقبل از به خاک سپاری، طناب پیچ می کردند که برنگردد. خاک زیاد رویش می ریختند که اگر طناب را گشود، از زیر خاک نتواند بیرون بیاید. روی خاک گور سنگ

ما باید چهره واقعی جهان را از لابه لای اندیشه او، با توسل به تعبیر و تفسیر مفاهیم او شناسایی کنیم. نتیجه این واکاوی، ما را به این اصل رهنمون می سازد که اساس کار جادوگر، "قدرت مطلق ذهنیات" است. اکنون پس از هزاران سال ابزار سازی و کشف کائنات و اختراعات و اکتشافات بی نظیر، دیگر چیزی به نام "قدرت مطلق ذهنیات" نزد ما چندان معنا و مفهومی ندارد، مگر نزد بیماران معینی که اعصاب و روان مختلی دارند مانند مبتلایان به وسواس، نارسایی عقلی، موهوم پرستان و افراد بی سواد. این افراد برایشان مهم نیست که محتویات ذهنشان برواقعیات های عینی منطبق است یا نه؛ برای آنان چیزهایی معتبر و ارزنده هستند که ذهنشان را به خود مشغول داشته و تصور عاطفی خوبی نسبت به آن ها دارند. این افراد با محتویات ذهن خود مشغولند و با بیرون از ذهنشان بیگانه.

خمیرمایه تفکر جادویی

بن مایه تفکر جادویی، اهمیت مبالغه آمیزی است که انسان ابتدایی و ابتدایی اندیش به حالات نفسانی خود می دهد،





دوران کودکی خود را درکودکستان دیرینه سنگی در چهارصد هزار سال گذرانده است، دوران دانش آموزی خود را در دبستان میانه سنگی ونوسنگی در نود هزار سال طی کرده است، دوران ورود به دبیرستان تا دانشگاه را در عصر آهن گذرانده که تا به امروز ادامه دارد.

دلیل سرعت گیری دومارحله بعدی معلوم است: ابزارسازی و پیشرفت علوم و اختراعات واکتشافات بی شماری که انسان موفق به دست یابی به آن ها شده است. پس سرعت تکامل در طبیعت به نحو کشنده ای کند و در جوامع بشری به طرز شگرفی تند بوده است.

در پس هر ظاهر آخر باطنی است

پیش روی باطنی، بین ظاهری (آزادگان) نمونه هایی از تفکر عامیانه و رایج در فرهنگ ایران و جهان در صفحات پیشین بیان گردید. در بخش بعدی این مقاله، به کلیات مشترکی که میان تمام این فرهنگ های رایج وجود دارد، خواهیم پرداخت.

بزرگ وسنگینی می گذاشتند که اگر خاک را کنارزد، نتواند از زیر سنگ بیرون بیاید. لباس خود را عوض کرده و سیاه می پوشیدند که اگر مرده برگشت، از دیدن آن لباس ها به اشتباه بیفتد. در ورودی را هم سیاه می کردند تا مرده نتواند وارد خانه شود و خود از پنجره یا از منافذ ورودی دیگر به درون خانه یا کلبه خود می رفتند. هزاران سال است که علت این گونه رفتارها زیادها رفته که به آن **Collective Unconscious** می گویند. واضع این کلمه که به مفهوم "فراموشی جمعی" است، کارل گوستاو یونگ می باشد. او نشان داد که خیلی از امور و سنن و رفتارهای اجتماعی که سالیان بسیار دور پدید آمده اند، اکنون نیز به آن ها عمل می شود ولی دلیل شکل گیری آن آداب از یادها رفته است؛ مانند مراسم عیش و عزا و عروسی، دست دادن دو دوست که به هم می رسند یا از هم جداحافظی می کنند و... .

اعتقاد به ارواح در هیچ دوره ای به همان شکل سابق نمانده و در طول هزاره ها تغییر و تکامل یافته است و همین امر ما را از ساده انگاری هنگام بررسی این پدیده بازمی دارد. اما چون تغییر و تکامل در حوزه امور و پدیده های اجتماعی در قیاس با پدیده های طبیعی بسیار سریعتر رخ داده، پس انسان:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی

منابع:

- ۱- روبر ژولین / سنگواره های انسان عصر حجر، اسناد و مدارک تکامل آدمی / ترجمه نورالدین فرهیخته / انتشارات دهخدا
- ۲- امیرحسین آریان پور / زمینه جامعه شناسی / انتشارات دهخدا
- ۳- کلیه آثار زیگموند فروید، و فرهنگ های معتبر انگلیسی و فارسی، و کتب آموزش این علم.
- ۴- زیگموند فروید / توتم و تابو / ترجمه محمدعلی خنجی / کتابخانه طهوری
- ۵- جمشید آزادگان / ادیان ابتدایی، تحقیق در توتمیسم / انتشارات علمی و فرهنگی
- ۶- G. Duncan Mitchell / A Dictionary of Sociology / Longman
- ۷- Emile Durkheim / The elementary form of the religious life / Coller Macmillan.
- ۸- The Shorter Oxford English dictionary /
- ۹- Advanced Learner's dictionary of current English / Oxford University Press
- ۱۰- Theodor H. Gaster / The new golden bough / Mentor book